

منزل تکامل پیش میرد.

۵۲ — بنام هر اکثریتی نمی‌توان حکم قطعی داد.

۵۳ — هر دوره تاریخی که در حیات يك هیئت اجتماعیه رخ میدهد با قلم يك نفر مورخ و یا فرمان يك زمامدار امور تعیین و تحدید نمی‌شود.

۵۴ — حادثات اجتماعیه محصول و نتیجه عوامل طبیعیه است.

۵۵ — نه ممکن است تاریخ را فریب داد و نه ممکن است زمان را از سیر سریع خودش باز داشت. (بقیه دارد)

## تربیت نوباوگان

### حفظ الصحه<sup>۶</sup> اطفال در ایران

صدای ورور بچه بلند است.

عمه: آخه بابا امشب این چرا اینجور می‌کونه شاید دلش درد میکنه خوبه یه خورده با روغن چراغ چرب بکنیم. در این وقت بچه را بغل گرفته از کنار اطاق یواش یواش خودش زیر کرسی انداخته شروع بحرف زدن با بچه میکند. به میرم الاهی تو که هلاک شدی؛ جونم عمه بقربونت بره، جونم بمیرم که زبون نداری حرف بزنی، واله این دلش درد میکنه. گلین بیا اون شیشه روغن چراغ از زیر کرسی بیرون بیار او این بچه بگیر و کن تا یه خورده دلش و چرب به کنیم.

مادر بچه: (با آه و ناله) خانم قربوتون، نازه قنداق

کردیم، میترسم بچم سرما خورده سینه پهلو بکنه.

خاله بچه: خوب اون حیاط خانم باجی رو بگیرم بیاد باز

هر چه باشه به پیرهن از ما بیشتر پاره کرده ماشاءاله چنتا شکم زائیده. ته یا برو صدا کن.

خانم باجی وارد میشود: اوا هنوز این که گریه میکنه والا گوشش درد میکنه. خوبه به خورده دود قلیون بدیم.

عمه: نه خیر به بخشید، همون دلش درد داره میکنه، نمی بینی یخورده میگیره باز ول میکنه؛ عصری چی دادین بخوره؟ خاله: ترنجبین با نبات داق دادیم به ساعتی عناب گل بنفشه برای اینکه کیف بیاره دادیم.

خانم باجی: پس یخورده نبات سوخته درس کنیم بدیم شاید آروم بشه.

کلین: نه خیر اینا نیست، تا چله همینطوره.

عمه: یقین بد قنناق کردین.

خاله: مثل همیشه است؛ خوبه وا کنیم دوباره به پیچیم؛ اویه شاف صابون براش درست کنیم، شکمش دو روزه کلر نمیکنه. کلین: واله یخورده اسبند دود کنیم، شب شنبه ام هست شاید نظر داشته باشه. (همه تصدیق کرده) کلین کیسه اسبند آورده یک مشت برداشته دور سر بچه میگردانه و این کلمات را مکرر میگوید:

«اسبند اسبند دونه اسبند سی و سه دونه، بترکه چشم حسود و خودی پدونه» دستها را باطراف شانه بچه آورده موج میکشد سپس کرسی را بلند کرده توی منقل میریزد. صدای اسبند بلند شده. مادر بچه: آه واله بچم نظر داشت؛ بترکه چشمشون که نمیتونن این به الف بچه رو به بینن.

خاله بچه را از عمه گرفته بالا پائین انداخته دهنرا دم گوش بچه میگذارد متصل خورخور میکند ولی بالاخره آرام

نمیگیرد. ناچار قداق را باز کرده شاف صابون میکنند، دوباره بیچیده به مادرش داده مادرش هم شروع بدادن شیر میکند.  
 طهران — ابو القاسم خاوریان

## نگاهی به مخارج و عایدات ایران‌شهر

چون اغلب خوانندگان ایران‌شهر از اوضاع آلمان اطلاعی ندارند و زحمات و مشکلات ما را در نشر این مجله نمی‌توانند تقدیر کنند لهذا مناسب دیدیم که صورت مخارج عمومی یکساله اداره ایران‌شهر را ذیلاً بنویسیم و نظر رقت و حمیت معارف پروران و بخصوص آنانرا که هنوز قرض خود را نپرداخته‌اند جلب نمائیم:

مخارج اداره ایران‌شهر در سال ۱۹۲۵

۱ — مخارج پستی	۳۳۶۵ شلنگ
۲ — مالیات دولتی و بلدی	۱۱۴۴ شلنگ
۳ — مواجب اجزای اداره	۸۴۹۶ شلنگ
۴ — الکتریک و گاز و تلفون و مطالعات فرهنگی	۳۶۰ شلنگ
۵ — کاغذ (مقداری هم از سال گذشته داشتیم)	۱۲۷۶ شلنگ
۶ — مخارج چاپ در خارج	۳۰۹۵ شلنگ
۷ — مخارج صحافی مجله و انتشارات	۴۲۹ شلنگ
۸ — کرایه برای تصویرهای مجله	۶۱۳ شلنگ
۹ — کرایه محل مطبعه	۲۰۲۲ شلنگ
(معادل ۲۰۸۰ لیره)	۲۰۸۰ شلنگ

در مقابل این مخارج، يك هزار نسخه مجله و مقداری کتب و انتشارات فروخته شده است ولی بموجب دفاتر اداره معادل ۳۰۰ لیره انگلیسی مطالبات ایران‌شهر در نزد مشترکین و